یک سند تازه از ماجرای مشروطیت

وطن پرست، محمد اسماعیل

صورت تلگراف زیر را محمد علی شاه از باغشاه پس از بمباران مجلس،در جواب‏ تلگراف رمز محمد ولی خان تنکابنی مخابره کرده و در آن بروال کار خویش گناه بمباران‏ مجلس و تعطیل مشروطیت را بدیگران نسبت داده و شروع انتخابات را به تسلیم مردم‏ تبریز و انتظام آذربایجان موکول کرده است.

بد نیست دانسته شود که محمد علی میرزا پس از واقعه بمب‏اندازی بکالسکه‏اش که‏ در آن بباغشاه نقل مکان نمود و در آنجا توطئه قلع و قمع مجلسیان را طرح کرد و به مرحله‏ اجرا درآورد تا روزی که بناچار از مقام سلطنت مستعفی و بسفارت روسیه تزاری پناهنده‏ شد با آن روحیه خرافی و مذبذب هر روز اندیشه‏ئی در سر می‏پروراند و اعلامیهء صادر میکرد چنانکه یکروز و عده تجدیده انتخابات را میداد و روز دیگر خطاب به حاج شیخ فضل‏ اله نوری و پیروانش اصول پارلمانی و لفظ مشروطه را موقوف و ممنوع اعلام میکرد او در روزی که آقا سید محمد طباطبائی را بباغشاه احظار کرد تا تبعید نماید در جواب او که گفته بود اعلیحضرت با مشروطه مخالف هستند با عصبانیت گفت(بر پدرش لعنت که‏ مخالف مشروطه باشد ولی اینکه شما داشتید مشروطه بود؟!)

در این تلگراف هم مجلس مشروعه را که مطابق با مزاج ممکلت و شریعت نبوی باشد از طریق سپهدار به سفرای دولتین که خلف وعده شاه را یادآور شده بودند وعده داده‏ است.اینک متن تلگراف:

دستخط مبارک ازباغ به باغ

سپهدار اعظم از تلگراف رمز شما تعجب کردم از روز اول سلطنت دستخطی که در اعطای مجلس دادم لفظ مشروطه و مشروعه مطابق قانون محمدی بوده بعد که لامذهبان‏ بنای خودسری گذاشتند خواستند دین و دولت را از میان ببرند هرچه به دلایل و نصایح‏ خواستم آنها را متقاعد کنم نشد تا اینکه با فضل خدا و کمک حضرت حجت عجل اله فرجه

بطوری که لازم بود قلع و قمع مفسدین دین و دولت را کردم و حالا شما می‏نویسید که‏ قونسول میگوید دولت وعده داده است که مجلس شورا به آنها بدهد قانون بدهد عدلیه‏ بدهد بلی صحیح است دولت گفته است و بسفرا هم امروز کتبا اعلان شده دولت مجلس‏ مشروعه که مطابق با مزاج مملکت و مطابق با شریعت نبوی صلواة اله باشد خواهد داد و بر سر قول خودم استوار هستم ولی چهار نفر مقدرجاله اسم خودشان را مشروطه‏طلب گذاشته‏اند در تبریز علم خودسری را برافراشته‏اند حالا من به آنها تملقا و مجبورا بگویم مشروطه‏ دادم و برای سلطنت خود رفتن دین آئین مسلمانی مرا ننگ تاریخی بگذارم معاذ اله نخواهد شد عجب از غیرت شما عجب دولتخواهی میکنید همان است که مکرر گفته‏ام تا این اشرار تنبیه نشوند و پدرشان سوخته نشود دست‏بردار نیستم منتها اینکه دو کرور خرج بشود بعد از فضل خدا قشون و نوکر و سردار و غیره هست که بتواند این خدمت بزرگ را بدین و دولت انجام بدهد مخصوصا در مراسله سفرا قید شده که اولیای دولت ایران وقتی میتوانند که این تربیت این مجلس را مرتب کنند که آذربایجان منظم رفع اشرار شده باشد که بفراغت‏ خاطر مشغول تربیت مجلس باشد شما توی اطاق نشسته دست روی دست گذاشته‏اید چه باید کرد اگر اردوی ماکو را یکنفر مأمور گذاشته بودید میان آنها بود ابدا مراجعت نمیکردند برنمی‏گشتند.)

بقیه از صفحهء 34

این مذاکره نمایندگان در آنروز بیک جائی منتهی شد و آن این بود که اقدام ما در مورد آلمانهاست ولی قهرا پای مامورین عثمانی هم در بین خواهد آمد خوبست قبل از این که آن‏ مجلس منعقد شود خاطر عثمانیها را مسبوق کنیم که این اقدامات بر ضدیت آنها نیست که‏ در آن مجلس آنها خودشان را طرف نکنند و بعهده بنده گذارند که با آقای مستشار و دیگران‏ مذاکره کنم،من نظر به سابقه خودم با مستشار عثمانی که میخواستم در زمینه اتحاد اقدامی‏ کرده باشم گفتم که تنها من برای این مقصود کافی نیستم خوبست کلوپ را هم با من متحد کنید که باتفاق ایشان را ملاقات کنیم و بعد از اندکی مذاکره نمایندگان قبول کردند و قبل از آن‏که به‏ نمایندگان مامورین ابلاغ به نظام السلطنه آن ملاقات را بکنند در منزل خودم آقای کلوپ‏ و آقای مستشار را دعوت کرده ملاقات بعمل آمد و در همان زمینه اتحاد و راه چاره صحبت داشتیم‏ این مذاکره خیلی خوب بود و راه را برای مذاکره باز کرد و توانستم با کلوپ هم داخل مذاکره‏ بشوم.